

چگونه باید

موسیقی ملی ایرانی را پایه نهاد

ناصری کمپوزیتور ایرانی کسی است که باغچه بان اورا استادخود میدانند این موسیقی دان جوان و بی نظیر سالهاست که با دقت و حوصله در باره موسیقی ایرانی و ریشه های آن مطالعه میکند .

مقاله زیر که در دو شماره چاپ میشود نتیجه مطالعات چند ساله ناصر نوری است که توسط همکار هنرمند ما آقای «مسعود کریمی» نقل میگردد .

نخست برای اینکه مطلب روشن شود ، روی دو قسمت بحث خواهد شد .

- ۱ - موسیقی کلاسیک ملی ایران و مطالعات فرنگی
 - ۲ - موسیقی فولکلوری پس ازین بحث نتیجه میگیریم که چگونه میتوان شکل بین المللی را به موسیقی ایران داد .
- موسیقی کلاسیک ملی :

و همه ما در میان عالی ترین و زیباترین خاطرات زندگی خود خاطره فرانسه را خواهیم داشت ، این حرف دیگر مبتذل شده است اما حقیقت دارد .

من دست برادرانه شما را میفشارم و از صمیم قلب از شما دوستان بغاطر همه زحماتی که برایم کشیده اید تشکر می کنم .

ملپواکسیوتی

برای بیان وجه تمایز موسیقی غرب و شرق و شناختن اصول موسیقی باستانی خودمان، و خواص آن بایستی از آثار آهنگسازان و استادان قدیم نمونه و مدرکی در دست داشت، متأسفانه بر اثر سهل-انگاریها و خودخواهی های شاگردان استادان موسیقی قدیم از آثار آنان چیزی در دست نیست و وظیفه شاگردان آنها این بوده که وقتی خط موسیقی با ایران آمد، آنچه را که از استاد درحافظه داشتند، برای استفاده آهنگسازان جوان امروز ثبت کنند. عده‌یی از این شاگردان که با اصطلاح از استادان موسیقی ایران بشمار می‌روند، چون در آن روز میدان را خالی دیدند. بسا پیدا کردن معلومات ابتدائی آهنگسازی، سعی کردند موسیقی ایران را «آرمونیزه» و «مدرنیزه» کنند، و بر سراینکار شکل ملی و خاصیت موسیقی ایران را برباد دادند.

مطابق مدارک موجود، دستگاههای زیادی در موسیقی ایران بوده، که امروز بیش از چند دستگاه از آنها بجا نمانده است، و آن موسیقیدانان که نام «ملی» بر خود می‌گذارند نتوانسته و یا نخواسته‌اند که در موسیقی باستانی ما کاوش بیشتری بکنند.

برای مشخص نمودن شکل کلی موسیقی ایرانی و اروپایی باید فرق بین گامهای آنانرا متذکر شد.

يك گام در موسیقی غربی تشکیل شده از هفت نوت که در هشتمی ایست می‌کند، و اگر آنها را پشت سر هم قرار بدهیم، می‌بینیم از چند پرده و چند نیم‌پرده تشکیل شده است.

(يك پرده عبارتست از ۹ کوما، و در گام غربی نیم پرده یعنی ۵ ر۴ کوما کوچکترین فاصله است.) ولی در گام ایرانی تعادل فواصل بهم می‌خورد.

در موسیقی ما فواصلی بین آنها موجود است (تیننی تقریباً ۹ کوما، مجنب کبیر تقریباً ۸ کوما، مجنب صغیر تقریباً ۵ کوما، بقیه، تقریباً ۴ کوما، مجنب صغیر منهای بقیه؛ تقریباً يك کوما) که در هر دستگاهی بیک نسبتی فرق میکند. و همین تغییرات کوچک یکی از علل نرمی و ملایمت موسیقی ملی ایران و سبب اختلاف آن با موسیقی غرب شده است.

زیر و بم آهنگهای ایرانی، و ایستادن آن روی تنهای مخصوص

و کار اکثر ریتمهای (ضرب) آن با موسیقی غرب تفاوت زیادی دارد - حال اگر بخواهیم از این سه نقطه معلوم در موسیقی ایران برای یافتن آنها که از میان رفته نتیجه بگیریم، بایستی دید آثاری که در دست داریم چیست و چگونه ساخته شده است.

دیده میشود که موسیقیدانهای ظاهرا «مدرن و ملی» ما این اختلافهای بین موزیک شرق و غرب، یعنی ملایمت، ربع پرده ها و ریتم ها را بیک صورت «من در آری» که سبب انحطاط موسیقی ملی ما شده در آورده اند. یعنی تنبیرات کوچکی را که قبلا تذکر داده شد از بین برده و تحت تاثیر موسیقی اروپائی فواصل بین نتها را بستمهای مساوی تقسیم کرده اند. باین هم قناعت نکرده برای اینکه بقول خودشان موسیقی ملی را با سازهای غربی اجرا کنند غین فواصل نتهای کام غرب را در موسیقی ما معمول کرده اند. چنانکه در کتاب «دستور تار» استاد علی نقی وزیری، زیر صفحه ۱۱۴ مینویسد:

« شاید برای اولین دفعه است که دیده میشود پس از کلید در آن واحد دو تا دیز و دو تا بمل است مسلم است و لازم بتوضیح نیست که همه جا (سی و می) بمل است و (فا و دو) دیز (دو دیز تعیین میکند که در کام - رصاعد - و دو بمل در کام - رهابط - .

باین دلیل است که این کام را دارای هر دو جنبه می خوانیم)

تقوم هنرمندان

۲۱ ژوئن - ۳۰ خرداد

۱۹۰۸ - ن.ا. ریسکی کورساکف
کمپوزیتور بزرگ روسی در گذشت -
«کورساکف» در دوران زندگی
- در آثار گرانبهائی پدید آورد که در
آن میان از: شهرزاد - شب ماه مه -
سادکو - مرغ طلائی - باید نام برد -
او در سال ۱۸۴۴ بدنیا آمده بود -



طبیعتاً باید دو بمل در این قطعه کورون (یعنی ربع برده یا دو ویست و پنج صدم کوما - نکارنده) باشند ولی مخصوصاً با بمل نوشته ام که نمونه برای سازهای مختلف اروپایی باشد.

نویسنده سطور بالا فکر نکرده که نواهای ایرانی برای سازهای ملایم ایرانی تنظیم شده و اگر با سازهای غربی اجرا شود آن خواص مخصوص بخود را کم میکند، چه رسد باینکه بجای «کورون» و «سوری» همان فاصله‌های «دیز و بمل» (که ۵ در ۴ کوما هستند) استعمال شود.

در صفحه ۱۱۳ همان کتاب آقای وزیری میگوید اگر نت دوم و ششم دستگاه چهارگامی را (که از نت دو شروع شود) که در اصل کورون است، برای اینکه با سازهای غربی نواخته شود بمل کنیم، میتوانیم در صورت ازین رفتن دستگاههای دیگر، آنرا بعنوان معرف موسیقی ملی ایران در غرب عرضه بداریم. اولاً خود ایشان هستند که با همان دلایل ذکر شده موسیقی ما را با تغییر و تبدیلهای مبتذل و بجای موسیقی مدرن مخصوص بخود جا زده‌اند، ثانیاً اینکه ایشان خبر ندارند که بعد از بمل کردن دوم و ششم این گام بهمان گامی برخوردارند خورد که از سال ۱۸۰۰ از طرف الکساندر اسکالرلاتی باین شکل درآمده و رواج پیدا کرده (ناپولیتن در گامهای مارژبا مینور مارژ). و بعد هم ادعا کرده‌اند که میتوان همه نوع قواعد علمی غربی را با آن آمیخت و بقول ایشان آرمنی مدرن یعنی آرمنی «واکتر» و «دبوسی» را برای آن نوشت.

در صورتیکه قبلاً گفتیم که زیر و بسها و ایستگاهها روی تنهای مخصوص موسیقی با زیر و بسهای موسیقی غربی کاملاً اختلاف دارند. از آن گذشته «واکتر» و «دبوسی» که ایشان آنها را مدرن حساب کرده‌اند، چه ارتباطی بایکدیگر میتواند داشته باشد؟



اشتباه نشود، اگر ما روی نوشته‌ها و کارهای آقای وزیری بیشتر بحث می‌کنیم، دلیل بر این نیست

که فقط کار ایشان ناقص است ، بلکه چون ایشان استاد موسیقیدانهای ملی ما هستند ، و در ضمن بقول خودشان خواسته اند موسیقی ملی ما را «مدرنیزه» کنند و کارهایی هم چاپ کرده اند بایشان بیشتر پرداخته ایم . و اما موسیقی فولکلوری (محلی)

موسیقی فولکلوری بنواهایی میگوئیم که ازین مردم برخیزد و سازنده معینی نداشته باشد ، معمولا این نوع موسیقی بیشتر در نتیجه تاثیر اتفاقات مهم بر احساس يك اجتماع و متناسب با کار آن بوجود می آید ، و دهن بدهن و سینه بسینه نقل می شود . پس میتوانیم بگوئیم که این نوع موسیقی همیشه بهترین و موثرترین نوعی بوده است که گذشتگان بنسل بعد تحویل داده اند و اگر آهنگسازان جوان امروز و فردای ما بخواهند برای موسیقی ملی ایران راه نوي ایجاد بکنند ، بهتر از این منابع چیزی در دسترس نخواهند داشت .

برای جمع آوری این منابع دست نخورده ، اداره و هیأت صالحی لازم است که با گردش در دهات و قصبات دور از شهر و تمدن بوسایل طبیعی این آهنگها را از دهان مردم ضبط کنند و یا روی کاغذ بیاورند . ولی امروز اشخاصی ناشی به جمع آوری این گنجینه های ملی مشغولند که نمیدانند چه باید بکنند . بجای این اشخاص بایستی جمعی متشکل از کمپوزیتور ، زبان شناس ، تاریخ دان ، معلم و یا رییسورتا تر و استاد بالت با دستگاههای فیلبرداری و ضبط صوت بنقاط مورد نظر بروند و این نواها را با اشعار و رقص و مراسم مخصوص آنها ضبط کنند ، و بعد هر قسمت از آن زیر نظر متخصصین فن طبقه بندی و تجزیه و تحلیل شود ، و با نگهداشتن اصل آن در گنجینه هنری مخصوص ، کپی آنها را در اختیار کمپوزیتور ها و هنرمندان و دیگر علاقمندان بگذارند .

مسئولین این کار امروز کسانی هستند که نه تنها حالت و شکل اصلی این آهنگها را درك نمیکنند ، بلکه بواسطه نقص معلومات در موسیقی ، آنها را بصورت های مسخره ای که فاقد همه گونه ارزش هنری و طبیعی است در می آورند .

(در شماره آینده پیاپیان میرسد)